صدای مردم

مطالبات ما کارگران نیاز به دیده‌شدن دارد

هنوز برخی از مطالبات کارگران ملی صنعتی فولاد پابرجا است و بابت همین در روزهای قبل تجمعی در مقابل خانه ملت برگزار کردند.

یکی از کارگران در نامه‌ای به «شرق» با توجه به پرداخت‌نشدن حقوق این کارگران نوشته است: «با وجودی که هنوز برخی از مطالبات ما پابرجا بود، ولی از تاریخ ۷ اسفندماه تا پایان سال ۱۴۰۲ هیچ‌گونه حرکت اعتراضی و خارج از قانون از سوی کارگران انجام نشد و تولید کارخانه برقرار بوده است. اما از آن سو، عیدی کارگران در تاریخ ۲۴ اسفند ماه و حقوق ایشان در عصر روز ۲۸ اسفند ماه و آن‌هم برای نیمی از کارگران واریز شد. مضاف بر این در شرایط روزه‌داری کارگران رستوران‌های شرکت به مدت ۱۸ روز تعطیل شد.

متأسفانه برخلاف توافق صورت‌گرفته و بدون تشکیل کمیته انضباطی شرکت در پایان سال ۱۷ نفر از کارگران قراردادی و پیمانکاری و مدیر بخش لوله‌سازی مهندس موسوی از کار اخراج و ۱۴ نفر از کارگران متخصص و باسابقه، به ورزشگاه غدیر اهواز تبعید شدند. متأسفانه ۹ نفر از همین کارگران هم در سال جدید پس از یک ماه اشتغال، به‌دلیل خودداری از امضای قرارداد یک‌ماهه و غیرقانونی از سوی کارفرما، اخراج شدند. درصورتی‌که طبق تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار در شرایطی که پس از پایان قرارداد کار، کارگر هنوز مشغول به کار باشد، مشمول تمدید ضمنی قرارداد کار می‌شود.

آیا سزای کارگری که مزدش کفاف هزینه‌های کمرشکن زندگی در این شرایط سنگین معیشتی را نمی‌دهد، پس از مطالبه حق قانونی‌اش، تهدید یا اخراج است؟! چه کسی پاسخ‌گوی فشار خردکننده روحی و روانی بر کارگران و خانواده ایشان و این‌همه قسط و قرض و اجاره خانه و پس از این‌همه اقدامات مغایر با قانون از سوی کارفرما است؟! ما پس از چهار ماه پیگیری بالاخره از سوی نماینده‌های مجلس شنیده‌ایم که شخص استاندار به‌دلیل اینکه شما برای اعتراضات صنفی وارد خیابان‌های مرکز شهر شده‌اید، مانع اصلی بازگشت به کار شما شده است و قصد تنبیه شما را دارد و حتی با وجود راضی‌شدن مدیرعامل شرکت به دیدار با کارگران، اجازه جلسه و دیدار با شما را نمی‌دهد.

سؤال اینجاست که آقای استاندار چرا فقط یک روز آمدن کارگران به مرکز شهر را می‌بیند ولی به اقدامات و حق‌خوری‌های شرکت در طول ۲۷ سال و رفتارهای توهین‌آمیز، دو سال سرگردان‌کردن پرسنل و بازی با معیشت آنها، اخراج‌های خلاف قانون و عصبانی‌کردن کارگران نگاهی نمی‌اندازد؟ و سهم کارفرما در این غائله را صفر می‌کند و سؤال دیگر اینکه اگر ما مشکلی به لحاظ امنیتی داریم، چرا ما را به دادستانی معرفی نمی‌کنند تا آنها درباره ما تصمیم بگیرند، کمااینکه تا امروز دو بار علیه ما شکایت کردند و قاضی در هر دو شکایت در همان مرحله اول رأی به تبرئه کارگران داده است.

امام جمعه محترم در تماس تلفنی در حضور شخص مدیرعامل شرکت با مدیرکل اداره اطلاعات استان و فرمانده اطلاعات سپاه از ایشان درباره کارگران اخراج‌شده پرسید و هر دو آنها اذعان کردند که هیچ مشکلی در این افراد نیست و حتی نفرات اصلی که جمعیت را به سمت مرکز شهر بردند، الان در شرکت هستند و اصلا اخراج نشده‌اند بنابراین استدعا داریم مسئولان محترم به این مطالبات ما توجه کنند».

گزارش «شرق» از مصائب توقیف موتورسیکلت در حوالی مرکز و جنوب شهر

ترس موتورها از کفی

مجید عسگری‌پور، مهر

شرق: بیشتر آنها مردان جوان و میانسالی هستند که موتورسیکلتِ زیر پایشان چرخ خانه و زندگی را می‌چرخاند. بارهایی در قدوقواره وانت و ماشین‌های بزرگ را بر ترک خود می‌بندند و راهی خیابان‌های مرکزی از راه‌آهن تا منیریه و پانزده خرداد می‌شوند. اینجا مانند بالاهای شهر موتورسواری تفریح نیست، بلکه روشی سخت برای کسب درآمد است.

موتورهایی که عصای دست ما است

جوان لاغراندامی است، کتونی‌های قرمز و زردی به پا دارد و این پا و آن پا می‌کند تا زودتر مکالمه تمام شود. خودش می‌گوید تکه‌های فوم را از کارگاهی در راه‌آهن به کارگاه دیگر در کوچه‌پس‌کوچه‌های جمهوری می‌برد. بدون کلاه و با هزار جریمه روی هم تلنبارشده، روزی چند بار این خیابان‌ها را بالا و پایین می‌رود. هرازگاه از ترس پلیس مسیرش را تغییر می‌دهد. این جوان به گوشه‌ای از تقاطع خیابان فلسطین و ولیعصر اشاره می‌کند: «ببینید دقیقا همین‌جا، سر کوچه فلاح‌زادگان چهارشنبه تصادف شد. وقتی این صحنه را دیدم دلم کباب شد. یک نیسان که کفی موتور حمل می‌کرد، یعنی موتورهای مردم بدبخت را با خود به پارکینگ می‌برد با ماشین بی‌آرتی تصادف کرد. چند موتور آسیب دید و یکی از آنها هم از کفی بیرون افتاد. بعد از چند دقیقه که نیسان رفت، سربازهای راهنمایی و رانندگی تکه‌های باقی‌مانده از موتورها را از روی زمین جمع می‌کردند. این چیزها را فقط کسانی خوب می‌فهمند که مثل من با موتور کار می‌کنند. نیسان از پایین خیابان ولیعصر می‌آمد و مطمئنم برای همان آدم‌های بود که برای یک لقمه نان از صبح تا شب در خیابان می‌رانند. درست مثل شرایط خودم. برای ماهی ۱۵ میلیون هر روز بارهای سنگین و بد دست را از این طرف به آن طرف می‌برم. هر لحظه استرس این را دارم که کفی موتورم نبرد. شرایط کار من از رعایت مقررات و این چیزها گذشته. وقتی بار وانت را روی موتور می‌گذاریم، همین کافی است که پلیس راهنمایی و رانندگی جلوی ما را بگیرد. کل کار ما این شکلی است، بعد مثلا پشت چراغ قرمز بایستیم که جریمه نشویم؟ خنده‌دار نیست؟...»

ترس از توقیف موتور

پیرمرد خوش‌صحبتی است که فقر از چروک‌های روی دستانش هم مشخص است. محل رفت‌وآمدش در همین خیابان‌های اطراف جمهوری به پایین است. می‌گوید هر سری یک چیز جابه‌جا می‌کنم. یک روز لوله، یک روز کیسه، یک روز مانکن و یک روز هم پارچه و نخ. با خنده می‌گوید: «با این‌همه باری که من جابه‌جا می‌کنم اصلا جای نگهداری کلاه کاسکت ندارم. پلیس‌های اینجا هم معمولا این چیزها را خوب می‌دانند. خیلی وقت‌ها کاری با ما ندارند، مگر بعضی وقت‌ها که با کفی همه موتورها را می‌گیرند. شش ماه قبل موتور من را بردند و با هزار بدبختی پس گرفتم، کاملا همان چند روز بی‌کار بودم چون موتوری برای کارکردن نداشتم. یک بار هم دو سال قبل موتور را بردند. جریمه‌ها آن‌قدر زیاد بود که نتوانستم موتور را پس بگیرم و اصلا نمی‌دانم آن موتور چه شد چون دیگر دنبالش نرفتم. خلاصه زندگی من همین است».

موتورم در پارکینگ آسیب دیده بود

قد بلندی دارد و در سال‌های قبل به‌دلیل جریمه بالا، دو بار موتورش را از دست داده چون توان پرداخت جریمه‌ها را نداشته است. این‌طور می‌گوید که «همه‌جای شهر را با موتور می‌روم. جریمه‌های موتور ما کمی زیاد بود که چند وقت قبل برای ماجرای حجاب همسرم ما را کنار خیابان پیاده کردند و موتور را بردند. ما بعد از یک روز کاری، کنار خیابان مانده بودیم و اصلا نمی‌دانستیم بدون موتور چطور به خانه برویم. من بعد از اتمام کارم بیشتر روزها در پیک کار می‌کنم. آن روز قرار بود همسرم را از محل کارش به خانه ببرم و خودم چند ساعتی با موتور کار کنم. حدود سه ماه بعد از آن ماجرا ما موتور نداشتیم و با هزار بدبختی که رفتم موتور را تحویل گرفتم دیدم آینه‌اش هم شکسته که علاوه‌بر جریمه‌ها کلی هم پول آینه دادم. در پارکینگ هم اصلا کسی جوابی به من نمی‌داد که بخواهم چیزی بگویم. خلاصه من معمولا با استرس در خیابان رانندگی می‌کنم که خدایی نکرده برای حجاب یا کفی موتورم را متوقف نکنند».

ترس از کفی

یکی دیگر از رانندگان موتور در اطراف خیابان جمهوری، مردی میانسال است که به‌تازگی از دست مأموران کفی در خیابان فرار کرده، خودش می‌گوید: «آن‌قدر جریمه‌های من زیاد است که اگر موتور را می‌گرفتند دیگر پس نمی‌دادند و من بدبخت می‌شدم. آن‌قدر مشکل مالی دارم که یک روز کارنکردن هم مرا بدبخت می‌کند.

این موتور اصلا برای خودم هم نیست و در هر شرایطی و برای هر دلیلی اگر آن را از من بگیرند، من با هزار مشکل مواجه می‌شوم. برای همین همیشه مراقب هستم گیر کفی‌های خیابان نیفتم. شما ببین من از صبح بار سوار می‌کنم. این هم چه بارهایی. مثلا کیسه‌های روی هم پارچه که گاهی تا جلوی صورتم می‌آید. باید سرم را بالا بگیرم تا بتوانم حداقل جلوی چشمم را ببینم. با این شرایط فقط می‌خواهی زودتر به مقصد برسی و اصلا چراغ قرمز و کلاه و خط بی‌آرتی مهم نیست، تو فقط باید زودتر به مقصد برسی و بارت را تحویل دهی. الان موتور خیلی گران شده ولی مثلا همین پنج سال قبل هم وقتی موتورها را می‌گرفتند، جریمه بعضی از افراد آن‌قدر زیاد بود که هم‌قیمت موتورشان درمی‌آمد. برای همین وقتی موتور را ضبط می‌کردند آنها هم قید موتور را می‌زدند و دیگر دنبالش نمی‌رفتند. اما الان موتور گران شده، یعنی همه‌چیز گران شده، برای همین اگر یک روز موتور من را ببرند تمام تلاشم را می‌کنم تا موتور را از پارکینگ بیرون بکشم. همه زندگی من الان به این موتور بند است. می‌دانم خیلی‌های دیگر هم که هر روز در بازار می‌بینم همین وضع من را دارند. اگر موتورشان را ببرند واقعا بی‌چاره می‌شوند...».

فقط همین را دارم

صورتش نشان از اعتیاد دارد. چهره‌ای استخوانی که معمولا بار بازار پرده را جابه‌جا می‌کند. سیگاری دود می‌کند و در بین حرف‌هایش اضافه می‌کند: «خرج روزم را با بارهایی که جابه‌جا می‌کنم درمی‌آورم. یعنی هرچقدر که نیاز داشته باشم کار می‌کنم. از زندگی همین موتور مانده و جای خوابی که صاحب مغازه‌ای که با او کار می‌کنم به من داده. اگر موتورم را توقیف کنند، این جای خوابی که الان دارم را هم از دست می‌دهم چون باید برایشان کار کنم تا به من جای خواب بدهند...».

گزارش

همه قوانین کارگری اجرا می‌شود؟

شرق: طبق قوانین قانون کار، ساعات کار نباید از هشت ساعت بیشتر باشد، در طول هفته باید ۴۴ ساعت کار انجام شود، کارهای سخت و زیرزمینی نباید بیشتر از شش ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته باشد و همچنین کار متناوب بیشتر از ۱۵ ساعت در شبانه‌روز نباشد. اینها درحالی‌است که بسیاری از کارگران در شرایطی کار می‌کنند که بیش از زمان تعیین‌شده برای کارگران کار می‌کنند. حتی برخی از آنها در شرایط سخت کاری و فضای غیرمجاز برای دریافت پول مشغول به کار هستند که در تمام این موارد حقوق اولیه آنها هم رعایت نمی‌شود. در کنار این، برخی دیگر از کارگران که جزء مهاجرها هستند، به‌دلیل نداشتن اوراق هویتی از هیچ حقوق کارگری برخوردار نیستند. از ساعات کاری معین تا میزان سختی کار و حقوق دریافتی که عدم رعایت هرکدام از اینها توسط کارفرما شرایط کار را برای کارگران بسیار سخت‌تر می‌کند و همین منجر به آسیب خواهد شد.

حتی عدم رعایت این قوانین در کارگاه‌های زیرزمینی، همچون کار در بلورسازی، پرس‌کاری و هرکجای دیگر که منجر به آسیب جسمانی و روحی این افراد شود، از پیگیری‌های بعدی این ماجرا ممانعت به عمل می‌آورد. در واقع چون از نظر قانونی قوانین کاری برای این افراد توسط کارفرما در نظر گرفته نشده است، در هنگام صدمات و آسیب‌ها هم حمایت قانونی نخواهند داشت.

در این شرایط، بسیاری که با آسیب‌های جسمی روبه‌رو شدند، چون هویت کاملی نداشتند، دیه هم به آنها تعلق نمی‌گیرد و همین روند درمان آنها را مسدود می‌کند. این درحالی‌است که اغلب کارگرانی که در این شرایط حاضر به کار می‌شوند، با مشکلات شدید مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بنابراین درصورت وجود قوانین حوزه کار، موضوع اجرائی‌شدن آنها اهمیت بسیاری دارد که نیاز است برای این ماجرا بازرسان ویژه در نظر گرفته شود تا شرایط کار کارگران در هر موقعیتی که هستند، به درستی بررسی شود تا دچار آسیب نشوند.

جدول ۴۸۱۲ طراح: بیژن گورانی

افقی:
۱- کفش ورزشی- پیر و سالخورده- بیماری تنگی مجاری تنفسی ۲- عیب و نقص- روان‌شدن- ظریف و شکننده ۳- نشانه مفعولی- خانه ساحلی- معروف‌ترین پنیر سنتی ایران ۴- از اجزای پیراهن- انگشت چهارم دست- غذای مخصوص تالش و آستارا ۵- برآمدگی زمین- زیرک و باهوش- شبیه ۶- هر نوبت نمایش فیلم در سینما- غذای مجردی- پاکیزه ۷- بسیار لازم- دسر سنتی از عصاره جوانه گندم- سنجش ۸- عرب می‌گوید: بگو- عزاداری- گستردنی- جوی خون ۹- ژرفا- مهربانی- پاینده و جاویدان ۱۰- پریشان- شکرگزار- جواهرفروش ۱۱- طویل- آینده- بلندترین نقطه ۱۲- دستمال- کوزه‌گر قدیم- همه با هم ۱۳- روستای صخره‌ای آذربایجان شرقی- دوم- چاشنی غذایی ۱۴- فرزند عرب- اعشاری- شهری در استان فارس ۱۵- زندان مسعود سعد سلمان- چند نفر که شغلشان یکی است- بیزار

عمودی:
۱- ابزاری برای ترکیب رنگ‌ها روی پالت نقاشی- ارزش محبت و نیکی دیگران را می‌داند- درخت زبان‌گنجشک ۲- مدافع برزیلی تیم فوتبال چلسی- چند وکیل ۳- صد مترمربع- آماده و فراهم- آزردگی و اندوه ۴- ظرفی برای حمل مصالح ساختمانی- نوعی انرژی- جوانمرد ۵- دستی- جهان- اساس و بنیان ۶- تن‌پوش- مسطح و افقی- مهم‌تر ۷- آلبومی با آواز ایرج بسطامی- ماهی‌فروش- از آتش‌افروزان ۸- تکرار حرفی- روزه- پهناور- نشانه جمع فارسی ۹- از ماشین‌آلات کشاورزی- هنر کنده‌کاری روی چوب- اثرگذاشتن ۱۰- صوت اندوه- دوست‌داشتنی- اثرگذار ۱۱- انواع خوراکی‌ها از قبیل آجیل و شیرینی- سرمشق- پشیمانی ۱۲- پول کره‌جنوبی- داروی چکاندنی- علم ستاره‌شناسی سنتی ۱۳- قتل از روی ترحم- عقیده و مسلک- رنگ‌نشده ۱۴- وسیله تزریق آمپول- دستگاهی که ضربان قلب را به‌صورت ترسیمی ثبت می‌کند ۱۵- نوعی عکاسی تبلیغاتی- دوره‌ای از زندگی زنان- سارق اماکن شلوغ

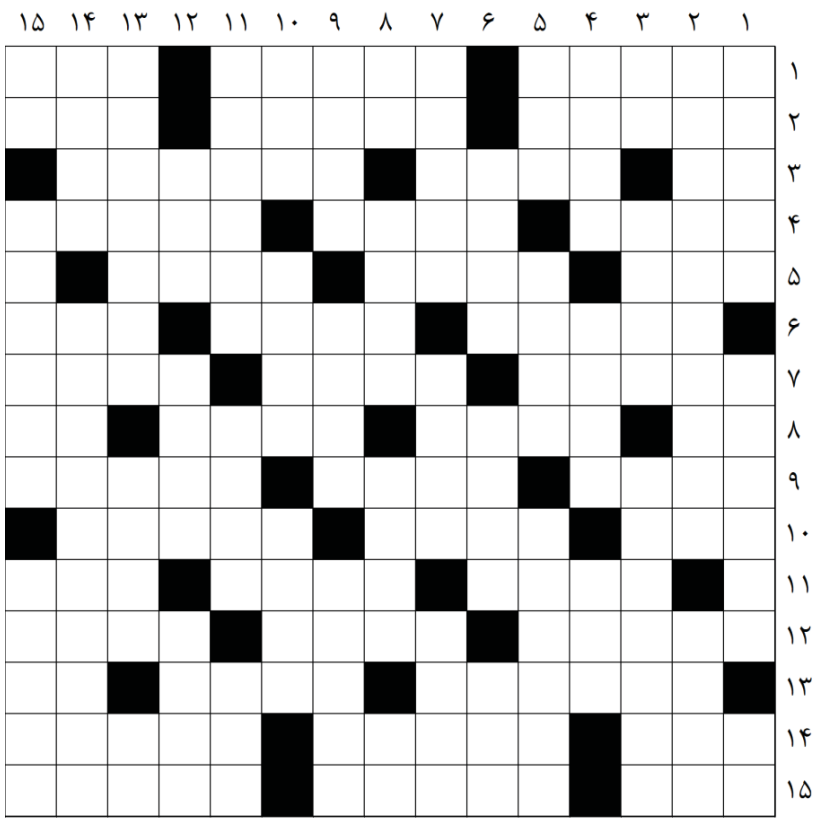

حل سودوکو ۳۸۰۷

۹	۴	۲	۵	۷	۶	۸	۱	۳
۶	۸	۱	۳	۴	۹	۷	۲	۵
۵	۷	۳	۱	۸	۲	۹	۶	۴
۷	۳	۴	۲	۵	۱	۶	۸	۹
۸	۵	۹	۷	۶	۴	۲	۳	۱
۱	۲	۶	۹	۳	۸	۴	۵	۷
۲	۱	۵	۶	۹	۷	۳	۴	۸
۳	۹	۸	۴	۲	۵	۱	۷	۶
۴	۶	۷	۸	۱	۳	۵	۹	۲

۱	۸	۹	۳	۴	۷	۵	۶	۲
۵	۷	۴	۲	۶	۹	۱	۸	۳
۲	۳	۶	۱	۸	۵	۹	۷	۴
۹	۴	۷	۶	۳	۲	۸	۵	۱
۸	۲	۳	۹	۵	۱	۷	۴	۶
۶	۵	۱	۸	۷	۴	۳	۲	۹
۴	۱	۸	۷	۲	۳	۶	۹	۵
۷	۶	۵	۴	۱	۸	۲	۳	۹
۳	۹	۲	۵	۹	۶	۴	۱	۸

حل جدول ۴۸۱۱

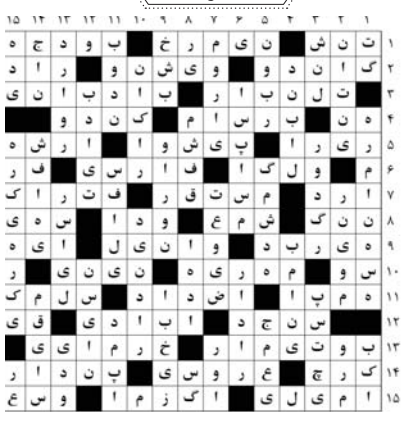

سودوکو سخت ۳۸۰۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳				۹				
		۴	۳			۸	۲	
۲		۱	۸		۵		۳	
۱			۶					۴
		۹				۱		
۵					۹			۷
	۷		۴		۸	۵		۱
	۱	۸			۷	۲		
				۲				۸

سودوکو ساده ۳۸۰۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۳					۸	۷	
۷	۴				۵		۹	۲
		۹	۸		۷			۱
				۲	۱	۹		۸
۱		۲	۹	۷				
۴			۶		۲	۷		
۸	۷		۵				۲	۶
	۲	۶					۸	